

حکایت تلخ يك قرارداد ...

بیستم مهرماه، سالروز انعقاد قرارداد گلستان، قصه جدایی و غربت را در سرزمین ایران تداعی می کند، قراردادی که به واسطه آن بخش های وسیع و حاصلخیزی از پیکره سرزمین ایران جدا شد.



بیستم مهرماه، سالروز انعقاد قرارداد گلستان، قصه جدایی و غربت را در سرزمین ایران تداعی می کند، قراردادی که به واسطه آن بخش های وسیع و حاصلخیزی از پیکره سرزمین ایران جدا شد.

بیستم مهرماه سال 1192 شمسی مطابق با 1813 میلادی، با انعقاد معاهده صلح گلستان بخشهای وسیعی از سرزمین ایران در منطقه قفقاز از جمله ولایات گرجستان، باکو، شیروان، دربند، گنجه، شکی، موغان و قره باغ از سوی فتحعلی شاه قاجار به روسیه واگذار شد. این عهدنامه و پیامدهای آن که قراردادهای ترکمانچای، آخال و قرارداد 1907 بود، زمینه جدایی بخش های وسیعی از سرزمین ایران را فراهم کرد.

عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز در خصوص موقعیت منطقه قفقاز گفت: قفقاز منطقه ای است که به لحاظ موقعیت فرهنگی - تمدنی بر روی گسل تمدنی اسلامی - مسیحی قرار گرفته و به جهت چنین موقعیتی، هانتینگتون در نظریه مشهور برخورد تمدن های خود این منطقه را از کانون های مهم رویارویی و برخورد تمدن های اسلامی و مسیحی دانسته است. 'ناصر صدقی' افزود: بحران قره باغ بین آذربایجان متعلق به تمدن اسلامی و ارمنستان متعلق به تمدن مسیحی یکی از مصادیق و شواهد عینی چنین برخوردی در حوزه قفقاز است.

وی با اشاره به اهمیت قفقاز در تاریخ ایران گفت: حکومت های زندیه و قاجاریه در این منطقه همواره دچار بحران مشروعیت بودند چرا که خان نشین های منطقه این حکومتها را به عنوان قدرت برتر از خود، قبول نداشتند و مشکل دیگر این منطقه غلبه هویت محلی و فقدان هویت ملی در آن بود.

وی اضافه کرد: در چنین شرایطی ظهور قدرت روسیه با ویژگی های خاص و برتری اقتصادی و نظامی و طمع سران آن به خاک ایران، پادشاهان ایران را با مشکلات بیشتری مواجه کرد.

وی با بیان اینکه پشتوانه قرارداد گلستان، مواضع مشترک قدرت های غربی بود، اظهار کرد: به رغم وجود رقابت های جدی در میان روسیه، انگلیس و فرانسه، همه آنها در مقابل کشورهای اسلامی موضع مشترک داشتند.

صدقی یادآور شد: انگلیس با حمایت از روسیه در انعقاد قرارداد گلستان، امتیازی را در جنوب از روس ها گرفت.

وی گفت: مقایسه تاریخ گذشته کشور با عصر حاضر نشان می دهد کشور ما هم اکنون نیز در مقابل ابر قدرت ها قرار گرفته ولی امروز نه مانند آن زمان که به راحتی به قرارداد گلستان تن داده شده، بلکه در موقعیتی متفاوت در مقابل تمام تهدیدها و تحریم ها مقاومت می کند.

وی اظهار کرد: اگر در آن دوران شاهان قاجار از بنیه اقتصادی و نظامی قوی برخوردار بودند، شاید عهدنامه های ننگین نیز به امضا نمی رسید، چرا که تمدن های غربی در طول تاریخ در مقابل قدرت های اقتصادی سر تعظیم فرود آورده اند.

این استاد دانشگاه یادآور شد: قاجارها به لحاظ اقتصادی و سیاسی کاملاً ضعیف بودند و هویت اسلامی و خودباوری ملی نیز در آن دوران به اندازه امروز قوی نبود، بنابراین در عصر کنونی با تقویت این دو عامل می توان از پیش آمدن شرایطی چون معاهده گلستان پیشگیری کرد.

یکی دیگر از اعضای هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز گفت: از زمان انعقاد قرارداد گلستان نزدیک به 200 سال می گذرد، در آن زمان درجنگ میان ایران و روس بارها ارتش ایران روس ها را شکست داد، ولی حاکمان ایران در اثر مشکلات متمادی اعتماد به نفس خود را از دست دادند و تنها راه باقی مانده برای آنها جلب کمک های خارجی بود.

جلیل ناییبان با اشاره به دانش دیپلماتیک کم پادشاهان قاجار اظهار کرد: در آن زمان روس ها درگیر تهدیدهای ناپلئون بودند و به همین دلیل بارها سفیر خود را برای ایجاد صلح به کشور ما فرستادند، اما پادشاهان قاجار خواهان تخلیه تمام نواحی اشغال شده از سوی روسیه بودند.

وی ادامه داد: اما هنگامی که سرگور اوزلی سفیر انگلیس وارد این ماجرا شد، دولت ایران را متقاعد به تن دادن به قرارداد گلستان کرد.

وی گفت: هنگامی که 'سرگور اوزلی' در دربار تهران ماموریت خود را به نحو احسن انجام داده و از راه روسیه عازم انگلیس شد، در تفلیس از سوی فرمانروای روسی گرجستان مورد استقبال قرار گرفته و به دستور فرمانروا در طول مسیر راه در هر جا همانند مقام رسمی از او استقبال به عمل می آمد.

وی اظهار کرد: اوزلی در خاطراتش می نویسد 'همین که داخل اتاق شدم، امپراطور روسیه جلو آمد و با من دست داد و مرا جلوی پنجره برد و گفت من بی نهایت خوشحالم که با کسی آشنا شدم که یک چنین خدمات ارزنده ای در مذاکرات و انجام صلح و انعقاد گلستان به من کرده است، و اوزلی در جوابش گفت این خدمات ناچیز فقط قسمتی از وظایفی بوده که در اثر پیروی از اوامر پادشاهی

نایب‌بان گفت: با انعقاد عهدنامه گلستان در ظاهر پیروزی جنگی روس‌ها تأمین شد، اما در واقع این انگلیسها بودند که در ایران خیمه زدند و عهد نامه مزبور اولین مرحله از تحقق هدف اصلی انگلیس در تسلط نهایی بر ایران بود. وی با اشاره به نقش موثر انگلیس در انعقاد این قرارداد افزود: رابطه ایران با روسیه از زمان صفویان با نوعی عدم تعادل آغاز شد و روسها از همان آغاز قصد دست اندازی به خاک ایران را داشتند.

وی یادآور شد: روابط ایران و روس قبل از پطرکبیر جنبه تجاری داشت ولی پس از وی و با استناد به وصیت نامه اش و آغاز دست اندازی روسیه به آب‌های خلیج فارس ورق برگشت و فصل توسعه طلبی آنها آغاز شد.

نایب‌بان گفت: مقارن با دوران قاجاریه جهان غرب انقلاب صنعتی را پشت سر گذاشت و در پی منافع استعماری به کشورهایی مانند ایران توجه ویژه یافت.

وی افزود: نظر حاکم در کشور ما اینست که انعقاد قرارداد گلستان در نتیجه بی‌کفایتی و ضعف شاهان قاجار رخ داد و این نظر تا آنجا پیش رفته که صاحب‌نظران دلایل اصلی عقب ماندگی ایران را در بی‌کفایتی پادشاهان قاجار جستجو می‌کردند.

وی گفت: هرچند این امر تاحدودی صحت دارد ولی باید نقش عوامل داخلی و خارجی در انحطاط و رکود شاهان قاجار بررسی شود. وی افزود: به نظر بنده در خصوص دوران قاجار بیش از اندازه سیاه‌نمایی شده که بخش عمده آن نگاه غیرواقع بینانه شاهان پهلوی و حامیان خارجی آنها به تاریخ قاجار و حذف موارد مثبت از آن می‌باشد.

نایب‌بان تأکید کرد: جای ارزیابی موشکافانه از عصر قاجار در تاریخ ما خالی است.

عضو دیگر هیات علمی دانشگاه تبریز نیز گفت: مرحله اول جنگ‌های روسیه با ایران پس از 10 سال نبردهای پراکنده و فرسایشی سرانجام در 12 اکتبر 1813 میلادی در شرایطی که تمام فکر و ذکر روس‌ها مقاومت در برابر حمله ناپلئون بناپارت بود و هیچ تمرکزی برای جنگ با ایران نداشتند خاتمه یافت، مفاد عهدنامه گلستان در یک مقدمه و 11 فصل مطابق میل روس‌ها و انگلیس تنظیم و امضا شد.

محمد سلماسی زاده افزود: این جداسازی و گسستن از اساس درست نبود، زیرا که نه فتحعلی‌شاه قاجار و نه تزار روسیه صلاحیت آن را نداشتند که مردمی را که هزاران سال با فرهنگ واحدی زیسته بودند از هم جدا سازند و اساساً چنین جدایی امکان‌پذیر نبود و سیر حوادث بعدی هم در دوره 100 ساله سلطنت تزاری و هم در دوران 70 ساله بلشویسم این نظریه را تأیید کرد.

وی گفت: نگاهی به آلمان‌ها و نمادهای فرهنگ مشترک همین امروز هم این پیوستگی و جدایی ناپذیری را تأیید می‌کند، باورهای یکسان، آداب و رسوم و سنن همسان و زبان مشترک بیش از هر چیز دیگر موجد این فرضیه است که پیوستگی فرهنگی در عین گسستگی سیاسی شکل گرفته است و از این رو عهدنامه گلستان را یک قرارداد تحمیلی سیاسی می‌دانیم هر چند برخی از مفاد آن ناظر به مسایل اقتصادی بود اما سخنی از موضوعات فرهنگی به معنای اخص به میان نیامده است.

سلماسی زاده نتیجه‌گیری کرد: در مفاد و بندهای عهدنامه به ایجاد نفرت عمومی از حاکمان قاجار و روس‌های متجاوز که به اشتراک میان اهالی به نمایش در می‌آمد، توجه نشده بود که در خصوص این نفرت عمومی می‌توان به مواردی که جیمز بیلی فریزر در سفرنامه خود در این خصوص ذکر کرده و منفوریت روس‌ها و قاجارها را در نزد ایران در یک ردیف قرار داده است، اشاره کرد.

بر اساس این گزارش، تاریخ سرزمین کهن ایران فراز و فرودهای فراوانی را شاهد بوده ولی حسرت برجای مانده از این عهدنامه که آغازگر عهدنامه‌های ننگین دیگر بود، هرگز از ذهن و دل ایرانیان پاک نمی‌شود.